

# جستار

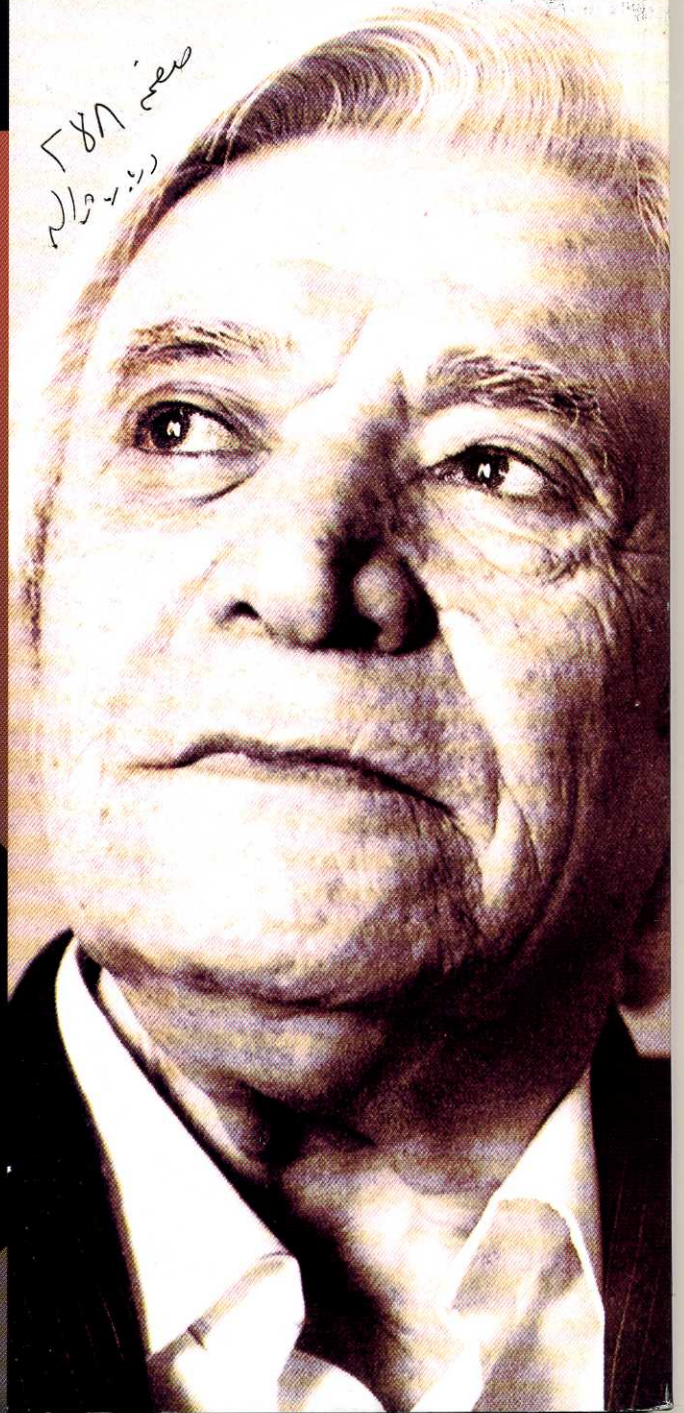
سیاسی  
اجتماعی  
علمی  
ادبی  
هنری

سال بیست و پنجم ، شماره ۲ و ۳  
شماره ردیف ۲۴۲-۲۴۳ ، آبان و آذر ۸۶  
ماهانه ، ۱۴۸ صفحه ، ۱۵۵۰۰ ریال

۲۲



صفحه ۲۸۸  
ردیف ۶ و ۷



یادی از محمد قاضی ◀ یادی از اختر واحدی  
سال ۱۳۳۲ و سازمان سیا ◀ در باره ویلا دیمیر لیدین  
در باره بلند الجیدری ◀ شعر ، داستان و ...

چیستا فقدان شاعر و هنرمند ارزشمند و گرامی  
ژاله اصفهانی را به تمام دوستداران و یارانش تسلیت می‌گوید.

برای ژاله اصفهانی اندیشمند آزاده ایران

به‌همراه پندار و گفتار نیکو  
کنون ژاله اصفهانی سفر کرد  
ولی برد در بین مردم فراوان  
اگر چه به‌دور از وطن گفت بدرود  
غمی دلنشین از سرود و ترانه  
ز سوی ادب‌دوستداران ایران

جواد نوشین

\*\*\*

از یاد رفته‌ایم

احمد حیدر بیگی

داریم ای دریغ ز هم سیر می‌شویم  
گاهی اگر زمانه به‌ما خنده کرده است  
سر می‌نهم بر سر زانوی هم ز درد  
دستی نشد بلند که زخمی به‌ما نزد  
گفتیم فتح دشت کنیم و فراخ سبز  
ما جام را ز باده لبالب شکسته‌ایم  
نفرین نبود و دستِ دعا نیز مستجاب  
در خواب دیده‌ایم که صبح است و آفتاب  
ویرانه‌ایم و سخت خراب و شکسته‌یام  
از ما بیا و حرمتِ نان و نمک ببین  
ما را زمانه واژه‌ای از یاد رفته خواند

با هر نفس که می‌گذرد پیر می‌شویم  
خاموش‌تر ز خنده‌ی تصویر می‌شویم  
در پایِ هم نه پیر، که زنجیر می‌شویم  
با این خیالِ خام که شمشیر می‌شویم  
چون صخره از فراز سرازیر می‌شویم  
سرکن در این خُمار، که تپه‌پیر می‌شویم  
خاموش اگر شدیم، به‌تدبیر می‌شویم  
سر می‌زند سپیده و تعبیر می‌شویم  
برخیز ای امید که تعمیر می‌شویم  
کز دستِ شوره‌زار نمک‌گیر می‌شویم  
سر مشق کهنه‌ایم که تحریر می‌شویم.

نشریه چیستا درگذشت زنده‌یاد احمد حیدر بیگی را

به‌خانواده محترم ایشان و جامعه ادب‌دوست ایران تسلیت می‌گوید.